

به نام خداوند جان و خرد

روان انسانی در حماسه های ایرانی



سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور : روان انسانی در حماسه‌های ایرانی / نویسنده آرشی اکبری-مفاخر.
مشخصات نشر : تهران: نشر باد، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۲۲۲ ص. : ۵/۲۱×۵/۱۳ : ۵۰ س.م.
فروبت : نشر باد: شماره نشر ۵۰.
سایک : ۹۷۸-۶۰۰۰-۶۵۲۷-۴۹-۹
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
پادداشت : کتابنامه: ص. [۲۲۲] - ۲۲۲: همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع : ادبیات حماسی ایرانی -- جنبه‌های روان‌شناسی
موضوع : اساطیر ایرانی
موضوع : روح (زردشتی)
رده بندی کنگره : ۳۵۹۵PIR / الف ۹۷۸ ۱۳۹۳
رده بندی دیویی : ۸ یا ۳۰۹/۱
شماره کتابشناسی ملی : ۳۶۴۷۱۸۰



تهران - صندوق پستی: ۹۴۵-۱۳۴۵۵ تلفن: ۶۶۹۵۵۴۴۱

روان انسانی در حماسه‌های ایرانی

دکتر آرشی اکبری مفاخر

نوبت چاپ نخست ۱۳۹۳ * شمارگان ۵۰۰ نسخه

قیمت ۱۴۰۰۰ تومان * شماره نشر ۵۰

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۶۵۲۷-۴۹-۹

© حق چاپ: ۱۳۹۳، نشر باد

فهرست

راهنمای کوتاه نوشت ها ۷

مقدمه ۹

پاره‌ی نخست: روان و انسان ۱۵

بخش نخست: از آفرینش تا رستاخیز ۱۵

دوره‌ی نخست ۱۵ / دوره‌ی دوم ۱۸ / دوره‌ی سوم ۱۹ / دوره‌ی چهارم ۲۱

بخش دوم: انسان ایرانی ۲۴

بخش سوم: ساختار انسان ۲۷

تن ۳۰ / جان ۳۳ / بوی (بشوده) ۳۳ / دین (دئنا) ۳۴ / فروهر (فروشی) ۳۷ /

روان ۴۲

بخش چهارم: روان انسان در اندیشه‌ی مینو ۴۷

دوران کیومرث ۴۷ / دوران هوشنگ ۵۲ / دوران تهمورث ۵۵

پاره‌ی دوم: روان پهلوانان در حماسه‌های ایرانی ۵۹

بخش نخست: روان آرشی ۵۹

آرش، مرزنامه‌ی مژده‌آور باران ۵۹ / اسطوره‌ی آغازین ۶۲ / اوستا ۶۲ / یشت‌ها؛

تیریش ۶۳ / ریگ ودا ۶۵ / دینکرد ۶۸ / بندهش ۷۰ / گزیده‌های زاد سپرم ۷۱ /

روان گاو و روان انسان ۷۴ / تاریخ بلعمی ۷۶ / شاهنامه‌ی فردوسی ۷۷ / آثارالباقیه

۸۰ / تن آرش ۸۲ / شاهنامه‌ی ثعالبی ۸۳ / قطعه‌ی نوبارانی ۸۶

بخش دوم: روان گرشاسپ ۹۰

مرگ گرشاسپ ۹۲ / روان گرشاسپ در بارگاه اهورامزدا ۹۶ / روان گرشاسپ و
اژدها ۱۰۰ / مبارزه‌ی گرشاسپ با اژدها ۱۰۳ / شاهنامه و گرشاسپ نامه ۱۰۵ /
روان گرشاسپ و دیو زرین پاشنه ۱۰۸ / دیو گند رو در شاهنامه ۱۱۲ / دیو گندرو
در گرشاسپ نامه ۱۱۲ / رزم گرشاسپ با دیو ۱۱۴ / گرشاسپ نامه ۱۱۵ / روان
گرشاسپ و راهزنان ۱۱۸ / نبرد گرشاسپ با راهزنان در گرشاسپ نامه ۱۱۹ /
سرنوشت روان گرشاسپ ۱۲۰ / روان گرشاسپ و رستاخیز ۱۲۳

بخش سوم: روان بانوگشپ ۱۲۵

روان بانوگشپ و ایزد بانوان ۱۲۶ / روان بانوگشپ و برادر ۱۳۰ / با برادر در
بزم و شکار ۱۳۲ / با برادر در میدان رزم و کین ۱۳۶ / روان بانوگشپ و تن
(خوردن و نوشیدن) ۱۳۹ / روان بانوگشپ و عشق و ازدواج ۱۴۳ / روان بانو
گشپ و دیدار نخستین با مرد ۱۴۷ / بازتاب روان و ناخرسندی دختر ۱۴۸ / بازتاب
روان و خرسندی دختر ۱۵۲

بخش چهارم: روان سیاوش ۱۵۹

روان سیاوش و نخستین انسان ۱۶۰ / آفرینش مینو ۱۶۰ / روان سیاوش و شاه
۱۶۵ / در برابر گناه ۱۶۷ / شهریار آرمائی ۱۶۹ / آرمان شهر ۱۷۳ / روان
سیاوش و پیامبر ۱۸۲ / آفرینش زردشت و سیاوش ۱۸۲ / بازپیوندی ۱۸۷ / مادر
۱۸۸ / کودکی ۱۸۸ / برخورد با زن اهریمنی ۱۸۹ / گذشتن از آتش ۱۹۲ / روان
سیاوش و پهلوان ۱۹۵ / منش پهلوانی ۱۹۵ / رستم و ایندیره ۱۹۶ / سیاوش و مهر
۱۹۷ / رستم و سیاوش ۱۹۸ / سیاوش در میدان پهلوانی ۲۰۳ / گذشتن از آتش
(سیاوش و سیتا) ۲۰۵ / سروش آزادی (سیاوش و اغریث) ۲۱۱

سخن پایانی ۲۱۹

کتاب نامه ۲۲۲

پیوست: آرش نامه ۲۳۲

راهنمای کوتاه نوشت‌های دینکرد و....

دین کرد ۳ ف؛ (دینکرد) کتاب سوم، دفتر یکم، کرده ۱۱۲-۵، ترجمه فریدون فضیلت.

دینکرد ۵ آت؛ کتاب پنجم، کرده ۲-۳، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، نک: اسطوره زندگی زردشت، ص ۱۱۲-۱۰۷.

دینکرد ۷ مز؛ کتاب هفتم، سرآغاز، ترجمه کتایون مزداپور، نک: پژوهشی در اساطیر ایران، افزوده بر بخش چهاردهم، ص ۲۱۰-۲۰۴.

دینکرد ۷ آت؛ کتاب هفتم، کرده ۱-۵، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، نک: اسطوره زندگی زردشت، ص ۱۰۵-۵۵.

دینکرد ۹ آت، کتاب نهم، کرده ۲۴، ترجمه ژاله آموزگار - احمد تفضلی، نک: اسطوره زندگی زردشت، ص ۱۱۸-۱۱۳.

م. او ۲۹؛ (بررسی دستنویس م. او ۲۹) داستان گرشاسب، تهمورس و جمشید، گلشاه و متن‌های دیگر، ترجمه کتایون مزداپور.

Denkard 3 S; Book 3. Peshotun Dustoor Behramjee Sanjana, Vol.1- 9, Bombay. 1874-1900.

Denkard 4 W; Book 4.-----1900.

Denkard 5 W; Book 5. Ch,1-4. West.E.W. from SBE¹ Vol. 5, oxford university press, 1897.

Denkard 5 S; Book 5, Ch, 1-31. Peshotun Dustoor Behramjee Sanjana, Bombay. 1900.

Denkard 6 S; Book 6, Darab Dastur Peshotan Sanjana. 9107.

Denkard 7 W; Book 7, West.E.W. SBE Vol.5, 1897.

Denkard 8 W; Book 8,-----.

Denkard 9 W@ Book 9,-----.

Zand akasih; Anklesaria. B. T. Zand akashi, Iranian or Greater
Bundahishn, Bombay, 1956¹.

www.ketab.ir

۱. برای دست یابی به ترجمه انگلیسی کتابهای ادبیات ایران باستان به سایت های اینترنتی

زیر نگاه کنید:

www. Sacred _ Texts. com , www. Avesta _ Zoroastrian Arshive. com

«حماسه‌های ایرانی»، نام واژه‌ای است که برای بخش‌های حماسی ادبیات ایران؛ ادبیات ایران باستان و ادبیات فارسی، برگزیده شده است.

این دو با هم پیوندی دیرین و ناگسستی و همانا شناخته دارند؛ تا آنجا که دانشجویان زبان و ادبیات فارسی کم و بیش با ادبیات ایران باستان بیگانه هستند و آگاهی چندانی از این گنجینه‌ی سرشار ادبیات، اسطوره و حماسه، عرفان و راز و رمز، شعر و داستان و... ندارند. از این روی این پژوهش در راستای برقراری پیوند میان این دو کانون فرهنگ بشری جدا افتاده از هم برگزیده شده است.

بدون آگاهی از ادبیات ایران باستان حماسه‌های فارسی برای ما ناشناخته هستند، سرچشمه‌های شاهنامه‌شناسی را شایسته است که در فرهنگ و ادبیات ایران باستان جستجو کرد. زیرا شناسنامه و کردارشناسی پهلوانان، شاهان، شاهزادگان، مردم، انسان‌ها و حتی جانوران، درختان، گیاهان، آب‌ها، کوه‌ها، کاخ‌ها و... در شاهنامه و در هر حماسه‌ی ملی دیگری، در آنجا به نوشتار آمده است.

بی آنکه یادگار زیران را بشناسیم، پی بردن به راز و رمزهای گشتاسپ‌نامه چندان فراهم نمی‌آید. بی آگاهی از اسطوره‌ی گرشاسپ در اوستا، دینکرد و روایت پهلوی، گرشاسپ‌نامه افسانه‌ای می‌نماید. آرش، بدون شناخت از فرشته‌ی باران، روان گاو، ارزش تن، جان و روان آدمی، در ایران باستان، تنها، کمانداری است که تیری افسانه‌ای می‌اندازد. هزار سال پیش ابوریحان بیرونی، این نکته را گوشزد کرده است: آن کسی که تیری پرتاب می‌کند، جان خویش در تیر می‌نهد، تن او پاره پاره می‌گردد و فرشته

سپندارمذتیر او را می‌برد، آرش اوستایی است.

بدون آگاهی از عرفان‌گاهانی و آموزه‌های عرفانی ایران باستان از آموزه‌ها و راز و رمزهای شاهنامه به درستی، برداشتی روشن نخواهیم داشت. سیاوش یک شاهزاده و پهلوان است اما با شناخت ریشه‌های رازوارگی بیت‌های شاهنامه در بزرگداشت سیاوش از اوستا، دینکرد و بندهش، سیاوش اسطوره‌ی آفرینش اهورایی و نماد والای آفرینش تن و روان است که همانا نماینده‌ی اهورا مزدا و آفرینش اوست.

بدون اندیشیدن به آموزه‌ی جهان‌کهن و مهین بندهشی، زیبایی‌های تن سیاوش و هرزیبای دیگری را درک نخواهیم کرد و آنگاه است که تمام هستی را در وجود انسان حس می‌کنیم و به اندیشه می‌نشینیم.

بانوگشپ دختر رستم، زنی است پهلوان، همانند مردی پهلوان اما با شناخت آرمان‌های روان آدمی از امشاسپندان و فرشتگان که هر یک فروزه‌ای و جلوه‌ای از اهورا هستند، او نماینده‌ی ایزد بانوان ذهن بشریت در هزاره‌های گمشده، در درازنای روزگاران است. بانوگشپ پرورده‌ی چنین اندیشه‌ای است تا آنجا که آغاز و پایانی برای زندگی آرمانی او در خیال اسطوره‌سازان و حماسه‌پردازان نیامده است.

در این پژوهش با دیدگاهی نو به بررسی روان انسان در حماسه‌های ایرانی پرداخته شده و همواره سه گزینه‌ی «آرمان، اسطوره و حماسه» را پیش چشم داشته است زیرا پیکرینگی روان و اندیشه‌ی پهلوانان را بایسته است که از دوران آرمانی آغاز زندگی (= نخستین دوره‌ی آفرینش اهورامزدا) کاوید. یعنی در زمانی که اهورامزدا آفریدگان خویش را به گونه‌ی مینو می‌آفریند و در پایان این دوره اهریمن به بارگاه اورمزدی می‌تازد که نقطه‌ی آغازین شکل‌گیری حماسه‌های ایرانی است. نمونه‌هایی از این گردش و دگرگونی بیان می‌گردد.

در این دوران پرشکوه ایزد بهرام، اهریمن و دیوان را که دست در تباہکاری زده‌اند به فرمان اهورا مزدا دست بسته به دوزخ می‌برد و آنان را در بند می‌کند. این آرمان روان انسان در دوران مینو، در اوستا به اسطوره‌ی جنگ میان اژی دهاک (اژدهای سه‌کله‌ی سه‌پوزه‌ی شش چشم) و فریدون دگرگون شده است که فریدون او را از میان برمی‌دارد.

در متون پهلوی، اژی دهاک پیکر زمینی و انسانی به خود می‌گیرد، او تازی مردی است که به ایران زمین تاخته است، فریدون با او می‌جنگد و او را در دماوند کوه به بند می‌کشد. این نبرد در شاهنامه، رنگ و بوی حماسی به خود می‌گیرد، پهلوانی کاوه نام در متن اسطوره افزوده می‌گردد و باز هم فریدون، ضحاک، نماد زمینی و انسانی اهریمن و اژی دهاک را به رهنمون سروش، پیک ایزدی، در دماوند کوه به بند می‌کشد.

در گرشاسپ‌نامه، اهریمن به پیکر دیوی در می‌آید، گرشاسپ با او می‌جنگد، او را می‌گیرد، به کشتی می‌بندد و به ژرفنای دریا می‌اندازد. او زنده است مانند ضحاک و هرازگاهی خروشی برمی‌آورد. گرشاسپ، در پایان جهان که پهلوان اهورامزدا و نماینده‌ی ایزد بهرام و فریدون است، بازتاب‌های اندیشه، گفتار و کردار بد - اهریمن، اژی دهاک، ضحاک و دیو - را که در این هنگام بند پاره کرده و دست به ستمگاری زده، از میانه برمی‌دارد و جهان را از اهریمنی پاک می‌کند و آن را به دوران آرمانی و زندگی آغازین در مینو پیوند می‌دهد.

گرشاسپ پهلوانی است که در دوران آرمانی، خواب و بیداری ندارد، همیشه بیدار است. در اسطوره، خوابی دراز آهنگ بر او چیره می‌گردد و در حماسه کشته می‌شود. اما این گردش در فرجام به یک حقیقت ساده می‌پیوندد و گرشاسپ در پی بیماری به مرگی روزمره در تخت‌خواب دچار می‌گردد که شایسته پهلوان نیست یا اینکه کردار او گاهی به افسانه می‌ماند.

سیاوش، آفرینشی آرمانی دارد. فره فروهر و روان او از اهوراست و پیش از تن او آفریده شده‌اند: روان او، بسان اورمزد و تن او، بسان گیتی است، یعنی والاترین و ارجمندترین روان و تن انسانی.

اسطوره‌ی او، اوج خواسته‌های آدمی در شهریارِ آرمانی و آرمان شهر است. در حماسه از آتش می‌گذرد، برای نیکی می‌جنگد بی آنکه خون کسی را بریزد. با اندیشه، گفتار و کردار نیک خود می‌جنگد تا به آشتی دست یابد. برای پایایی و روایی آشتی و درستی پیمان، تن و جان خویش را هزینه می‌کند.

با مرگ حماسی سیاوش، او به اسطوره‌ی نخستین انسان می‌پیوندد. گیاه زندگی از خون او سر می‌کشد و باز دیگر باره روان او، به بهشت و روشنایی بیکران می‌رسد و به اهورامزدا می‌پیوندد.

در این پژوهش به انسان که اسطوره‌ی آفرینش و گوهر هستی او که روان اوست، پرداخته شده است. انسان ایرانی از دو سوی روان و تن، برگرفته از اهوراست و در خور نگرش و اندیشیدن و شایسته برای پی بردن به رازهای آفرینش.

در بررسی ساختار انسان، نخست تن او که نموداری از جهان گیاهانی است و سپس گوهرهای پنجگانه‌ی درونی او که هر کدام در رسیدن به کمال انسانی برای او نقش ویژه‌ای دارند، بررسی می‌شوند:

جان، نگهدارنده‌ی تن آدمی و دستمایه‌ی زیست اوست؛ بوی، نیروی درک و دریافت اوست و در فرجام به روان می‌پیوندد؛ دین، نیروی گزینش نیک و بد و بیانگر اختیار و اراده آدمی است؛ فره‌هر از آن آفرینش نیک اهورایی است که، انسان، جانور، آب و گیاه را در بر می‌گیرد. فروهر، ذره‌ای از خود اهوراست که در فرجام پاک و پاکیزه به اهورا بر می‌گردد.

و سرانجام روان، نیرویی است که پیش از تن آفریده شده و پس از

آفرینش انسان، به پیکر او تنیده شده است. خویشکاری خود را در این گیتی به کار می‌گیرد و پاداش و پادافره خود را در مینو یا دوزخ به دست می‌آورد. روان در این گیتی راهنمای تن، در انجام اندیشه، گفتار و کردار نیک و بد اوست و تن را همانند نگهبانی می‌ماند که به پاسداشت او برگماشته شده است، نیک و بد کردار آدمی به گردن روان اوست و در روز فرجامین، او پاسخ‌گوی کردار تن آدمی است.

برای در پیش چشم داشتن آموزه‌هایی که در ادبیات ایران باستان آمده است و نقش و نگاری که از خود در حماسه‌های فارسی برجای نهاده‌اند، چهار پهلوان: «آرش، گرشاسپ، بانوگشسپ، و سیاوش» از حماسه‌های ملی ایران برگزیده شده‌اند و به روانکاوی و روان‌شناخت اسطوره‌ای و حماسی آنها پرداخته شده است.

برای هر پهلوان، تلاش بر آن بوده است که پیش‌زمینه‌های آرمانی و یادواره‌های دوران مینوی او که بادمیان آنها در روانش بر جای مانده است، پدیدار شود و پس از آن، گذر آرمان به اسطوره، یعنی دمیده شدن روان پیش‌آفریده در تن پهلوان و بازتاب اسطوره‌ای آن، در کردار پهلوانی به نمایش درآید.

با آگاهی از آرمان و اسطوره‌ی پهلوان، جایگاه او در حماسه‌های ایرانی بانگ‌رَش و اندیشه‌ای بر کردار پهلوانی و حماسی او به شناخت آمده است تا گوهر و هستی پهلوان از نخستین لحظه‌ی آفرینش روان او و سپس تن او و دیگر باره یاری روان او به اندیشه، گفتار و کردار او و در فرجام، مرگ پهلوان و پرواز روان او به شناخت آید، و پیوندی میان سه دوره‌ی زندگی هر پهلوان: پیش از آفرینش، زندگی در گیتی و زندگی پس از مرگ پدید آمده باشد.

در پایان از راهنمایی‌ها، روشن‌گری‌ها و بزرگواری‌های استادان ارجمندم

به ویژه جناب آقای دکتر قدمعلی سرامی سپاسگزارم.
از خانواده‌ی گرانقدر و دوست داشتنی‌ام که زحمات‌های فراوان برایم
کشیدند و در تمام کارها یاری‌گرم بودند، به ویژه برادرم آقامصطفی، سپاس
بیکران دارم.

آرش اکبری مفاخر*

کنگاور، مهرماه ۱۳۸۳

www.ketab.ir